

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۸۸ - ۱۵۹

بررسی نوازم اخلاقی و رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله دستگیری

^۱ عباس گوهری

^۲ عباس تدین

^۳ عبدالجبار زرگوشی نسب

چکیده

یکی از مهم‌ترین بخش‌ها و وظایف اخلاقی یک مسلمان، ارتباط اخلاقی او با جامعه و محیط پیرامونی است « اعم از محیط خانواده و جامعه ». به طور کلی اسلام برای تمامی ارتباطات آدمی، برنامه اخلاقی ارائه کرده است و این نمونه‌ای از جهان بینی اخلاقی است. دین مقدس اسلام، حساب ویژه‌ای برای اخلاق گشوده است؛ در اسلام اهمیت خیلی زیادی به حقوق شهروندی داده شده به نحوی که در صدر اسلام پیامبر اکرم حضرت محمد(ص) حقوق شهروندی را مثل عدم تفتیش عقاید، محترم شمردن حقوق زنان، تساوی همه افراد، حق مالکیت و امنیت اجتماعی پایه‌ریزی کرده و با رفتار خویش سعی داشتند مردم را به رعایت این حقوق، تشویق نمایند. بر این اساس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز به تاسی از سیره نبوی و با توجه به فرمان هشت ماده‌ای بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به حقوق شهروندی نموده است. و در همین راستا قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسانده و قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۷ و بخش کلیات، صراحتاً رعایت حقوق شهروندی مقرر در ماده واحده یاد شده را مورد تأکید قرار داده است. لذا در این مقاله ضمن بیان شمه‌ای از اخلاق، اخلاق شهروندی، روابط انسان براساس اخلاق، مفهوم شهروند، و حقوق شهروندی متهم در مرحله دستگیری مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق شهروندی، حقوق، حقوق شهروندی متهم.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

Email: reza.hosin@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email atadayyon@gmail.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

Email: a.zargoosnasab@ilam.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۱

طرح مسأله

اخلاق و تعهد شهروندی امر بسیار مهمی است که باید آن را همچون هدفی اساسی در نظر گرفت و به صورتی تدریجی ایجاد کرد. این انتظار که اخلاق و فرهنگ به صورت خودکار و با تغییرات اساسی به وجود بیاید انتظاری کاملاً بیهوده است و نتیجه منفی آن انفعال و کنار گذاشتن اندیشه و ابتکار برای ایجاد و ساختن فرهنگ یاد شده است. زندگی انسانها امروزه بطور کلی و قطعی به شهر نشینی تبدیل گردیده و بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این میزان در کشورهای توسعه یافته و یا در کشورهای در حال توسعه با رشد بسیار بالایی روبروست؛ در این میان تقویت حقوق شهروندی به طور عام و اخلاق شهروندی به طور خاص می‌تواند راهی فرهنگی و مناسب برای پیوند دادن حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر باشد. شاید به نظر برسد با توجه به گسترش ارتباطات و تکنولوژی، بحث از حقوق شهروندی امری بدیهی است، اما در جامعه افرادی وجود دارد که هنوز نسبت به حقوق و اخلاق شهروندی خود آگاهی لازم ندارند و هنوز در بخش‌هایی از جامعه این احساس وجود دارد که افراد بیشتر از آن که محق باشند، مکلفند و یا برعکس، حقوق شهروندی به حدی حائز اهمیت است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند و حتی برخی از کارشناسان بر این باورند که اگر جامعه‌ای حقوق شهروندی در آن نهادینه نشود، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل می‌شود. علی‌ای حال تلاش در جهت ایجاد و نهادینه کردن اخلاق و حقوق شهروندی برای ما ضرورتی اساسی است. در مقاله حاضر اخلاق، اخلاق شهروندی، روابط انسان براساس اخلاق، مفهوم شهروند، و حقوق شهروندی متهم در مرحله دستگیری را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اخلاق

اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در درون او نهادینه شده است. این واژه، هم خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوان‌مردی و دلیری را شامل می‌شود و هم خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را «فلسفه اخلاق، ۱۳۹۴ش، ص ۱۹، ۲۰». اخلاق در معنای عرفی یعنی لایه‌ای از رفتار انسان که در رفتار او با دیگران پدیدار می‌شود. وقتی می‌گوییم فلان شخص اخلاقی خوب است یعنی صفات پسندیده‌ای در آن فرد وجود دارد که گردیده تا افراد دیگری نسبت به شخصیت و رفتار او حس خوبی داشته باشند.

معنای اصطلاحی اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق»، به معنای خوی و خصلت است به معنای صفات درونی در مقابل خُلُق که هیأت و شکل ظاهری و جسمی آدمی است که با چشم دیده می‌شود. خُلُق و

خوی، آن دسته از صفات را در برمی گیرد که در نفس راسخ باشند و به راحتی زایل نشوند، به گونه ای که انسان، بی درنگ و بدون اندیشه، کار پسندیده و یا ناپسندی را انجام دهد. «خُلُق»، صفتی نهادینه شده در درون انسان است؛ چه بسا کسی در نهاد خود، بخشنده باشد، اما بخشش نداشته باشد؛ زیرا مالی ندارد و یا برای بخشندگی او، باز دارنده‌ای وجود دارد و چه بسا کسی بخیل باشد، ولی بر خلاف میل و خلق خود، از روی ربا مالی را ببخشد.

اخلاق و قرب الهی

از یک بعد، اخلاق یعنی بهبود روابط انسان با خدا، خود و دیگران. همه بخش های اخلاق باید در نهایت به یک هدف ختم شوند و آن هدف، قرب الهی است. از نگاه عرفا، درک و شهود وحدت وجود و نایل شدن به مقام فنا، کمال نهایی انسان است و فردی که مقام فنا برایش حاصل شود، به مقام قرب الهی باریافته است. انسان سالک از زمانی که قدم در راه تربیت خویش می گذارد با نگاه به هدف نهایی و با طی مراحل و منازل سلوک، همه تلاش خود را به کار می گیرد تا به قرب الهی که همان شهود فنا فی الله است برسد «ابن عربی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۹۹» منظور از قرب الهی در فلسفه اسلامی، به دست آوردن حکمت و معرفت است. همانطور که قرآن کریم می فرماید: *من یؤت الحکمه فقد أوتی خیرا کثیرا* «بقره: ۲۶۹»؛ به کسی که حکمت داده شود، به تحقیق خیر کثیر به او داده شده است. از منظر فیلسوف، درک هستی و درک وجود به معنای فلسفی آن و نیز درک حقیقت اشیاء، آنگونه که هست، موجب سعه وجودی انسان شده، انسان را به قرب الهی نایل می کند. تعبیر فلسفی قرب الهی با وجود اهمیت آن، تنها به بخشی از مراتب قرب می پردازد که بر بحث نظری - عقلانی و حکمت ناظر است. این تعبیر درباره حوزه عمل و رفتار و نیز کشف و شهود به اقتضای مسایل فلسفی مطالبی بیان نکرده است.

اخلاق، بر اساس روابط انسان

۱- اخلاق بندگی: انسان نسبت به خالق و آفریدگار خود، وظایف اخلاقی دارد. هر کسی احساس می کند هر چه دارد از خدای متعال است و تنها با عبادت معبود حقیقی هستی آرامش می یابد. فضایل و رذایل مربوط به رابطه انسان و خدا در اخلاق بندگی مشاهده می گردد. فضایی مانند شکر، توکل، ایمان، عبادت، اخلاص، تسلیم، تقوا و... در این قسم جای دارد.

۲- اخلاق فردی: هر انسانی نسبت به خود نیز وظایفی دارد. فضایل و رذایل مربوط به حیات فردی انسان ها، فارغ از رابطه با غیر در اخلاق فردی بحث می شود.

۳- اخلاق اجتماعی: یکی از مهم ترین بخش ها و وظایف اخلاقی یک مسلمان، ارتباط اخلاقی او با جامعه و محیط پیرامون است «اعم از محیط خانواده و جامعه». فضایل و رذایل ناظر به رابطه فرد با سایر انسان ها در اخلاق اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد.

سخا، کرم، ایثار، حسن معاشرت، عدالت و انصاف، امانت داری، حفظ لسان، صداقت، تشکر،

نرم خویی، کتمان عیوب، ظالم نبودن، اصلاح بین مردم، فتوت و مروت بخش کوچکی از فضایل اخلاق اجتماعی و حب جاه و مدح، تعصب و قومیت‌گرایی، حسد، ظلم، انتقام، تند خویی، تجسس، استهزاء، بهتان، غیبت و ... بخشی از رذایل این قسم است.

۴- اخلاق محیط زیست: تشویق و سفارش اسلام بر حفظ و گسترش درخت کاری و نكوهش این دین مبین در مورد شکار و صید، نشان دهنده توجه این دین به محیط زیست است. سفارش به آزار ندادن حیوانات اهلی و داستان‌های واقعی فراوان در مورد توجه انسان‌ها به حیوانات و در پی آن، مشمول رحمت خداوند قرار گرفتن، نمونه بسیار کوچکی از این توجه است. به طور کلی اسلام برای تمامی ارتباطات آدمی، برنامه اخلاقی ارائه کرده است و این نمونه‌ای از جهان بینی اخلاقی است. ارائه نظام اخلاقی از خصوصیات بارز یک دین برتر است که دین اسلام آن را داراست. وقتی به منابع اسلامی از قبیل قرآن، روایات و ادعیه مراجعه می‌کنیم در جای جای این منابع، قطعه‌ای از این برنامه اخلاقی را ملاحظه می‌نماییم.

رذایل اخلاقی

انسان فطرتاً کمال جو است و هر چه در مسیر کمال پیش برود، خواهان به دست آوردن درجات بالاتری از آن است. وجودی نهایت و کمال مطلق بر اساس تعالیم دین اسلام، وجود خداوند متعال است. بنابراین کمال انسان و مطلوب نهایی او در هرچه نزدیک تر شدن به سرچشمه هستی و قرب پروردگار می باشد. از نظر اسلام، فضیلت فعل اخلاقی، به تأثیرگذاری آن فعل در رسیدن به کمال انسان بستگی دارد؛ از این رو هر فعلی که در بازسازی روح آدمی و وصول به کمال نهایی تأثیر بگذارد فضیلت و در غیر این صورت، رذیلت اخلاقی شمرده می‌شود؛ البته مراد و مقصود، آن فعلی است که با اراده و اختیار آدمی انجام پذیرد. «فلسفه اخلاق، مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۴ ص ۱۸۴»

اخلاق شهری و شهروندی

اگرچه امروز مفاهیم اخلاق شهری و شهروندی همراه با مفاهیم مدرن و در قالبی نو به مخاطبان عرضه می‌شود، اما اخلاق همیشه قلمروی مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می‌شود و چه بسا بیش از هر چیزی وسیله تنظیم کننده در روابط اجتماعی انسانها تلقی می‌گردد. اخلاق در شکل اجتماعی اش یک ضرورت است. باید گفت رفتار هر کس در جامعه عرضه کننده گونه‌ای از روابط آشکار و پنهان موجود در همان جامعه است. چون به هر حال انسان معلول اجتماع است و اجتماع در قبال او دارای مسؤولیت است. هرچند این واقعیت هرگز نمی‌تواند توجیهی بر رفتارهای قانون شکنانه و نادرست او به بهانه تأثیرگرفتن از جامعه و یا گرفتن انتقام از آن شود. به هر حال این امری انکارناپذیر است که هرگاه عملی غیراخلاقی از کسی سر بزند، آنکه نخست متهم اصلی به شمار خواهد رفت، او

خواهد بود که باید پاسخگوی کردار نادرست خویش باشد. اخلاق شهروندی را می توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند به ویژه در شهرهای بزرگ و متوسط همچنین در شهرهای کوچک برای دست اندرکاران و ساکنان این شهرها امکان زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و توسعه پایدار یعنی گذار آرام موقعیت های مناسب و از میان برداشتن موقعیت های نامناسب کنونی برای نسل های آینده را فراهم آورند.

اگر بخواهیم در شهری با آرامش و صلح اجتماعی زندگی کنیم، همچون در یک دولت باید بتوانیم شرایطی را فراهم کنیم که افراد یعنی واحدهای تشکیل دهنده جامعه موردنظر بتوانند و مایل باشند که حقوق و وظایف خود را درونی کنند. این درونی کردن به ما امکان دهد که هزینه های اجرایی شدن حقوق و وظایف شهری را به حداقل ممکن برسانیم، چه در غیر این صورت این هزینه ها دائماً افزایش یافته و ما را به موقعیت هایی می رساند که ناچاریم کنترل اجتماعی را دائماً افزایش دهیم «نیکومرام، هاشم و همکاران، ۱۳۹۰، ۸۷-۷۱»

مفهوم شناسی شهروند

شهروند معادل منتخب واژه Citizen است که اگرچه در فرهنگ های فارسی معتبر از آن ذکری نشده است، اما با توجه به اینکه «وند» به مالکیت اشاره دارد؛ می توان برای شهروند قائل شد که حاکی از اهمیت «ساکن» و «اهل» شهر بعنوان صاحب و مالک شهر باشد. «نقی زاده، محمد، ۱۳۸۳، ۱۹»

در فرهنگ دهخدا شهروند اینگونه تعریف شده است: «اهل یک شهر یا یک کشور و نیز آمده که وند موجود در این واژه در گذشته نیز بوده و در واقع این واژه شهر بند بوده است؛ به معنای کسی که به شهری بند است. در اثر گذشت زمان این بند تبدیل به وند شده است. یعنی هر چیز مربوط به شهروند. در فرهنگ معاصر گفته شده است که شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور به شمار می آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می باشد.» «پروین، فرهاد، ۱۳۸۷، ۹۰ و ۹۱»

در یکی از فرهنگ های علوم سیاسی شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در یک کشور برخوردار است. واژه سیتی زن که در فارسی ریشه رومی دارد در فارسی به شهروند، تبعه، همشهری، هم وطن، شarmند، شهرتاش و انسان عضو اجتماع ترجمه شده است.» «آقا بخشی، علی، ۱۳۸۳، ۱۳۴»

به طور کلی می توان گفت شهروندی عبارت است از: «وضع رابطه موجود میان یک شخص طبیعی و یک جامعه سیاسی موسوم به دولت که بر اثر آن اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است. این وضع با رابطه میان فرد و دولت از طریق قانون شهری تعیین می شود و با

قانون ملل به رسمیت شناخته می‌شود. پایگاه شهروند در یک جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون و اصول برابری و به اصطلاح شهروندی به معنای مصطلح آن فقط به فردی طبیعی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل مدنی و سیاسی بهره مند باشد قابل اطلاق است.» «موسوی، یعقوب، ۱۳۸۰، ۵۹ و ۶۰»

مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی، حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع شدن. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) لفظ شهروند اعم از حقوق شهروندی است و به مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات هر فرد اطلاق می‌شود. زیرایکی از دلایل تعریف شهروند وضع حقوق شهروندی و حفظ آزادی های هر فرد ساکن در جامعه در صورتی که به آزادی دیگران لطمه ای وارد نسازد و این مستلزم وظایف و تعهدات در کنار حقوقی اعم از حقوق شهروندی است. «رضایی پور، آرزو، ۱۳۸۷، ص ۲۰»

حقوق شهروندی در قانون آیین دادرسی کیفری با اصلاحات و الحاقات بعدی مورد توجه بیشتری واقع شده است. حقوق شهروندی از امتیازات و قواعد عام اجتماعی است که در چارچوب قانون اساسی به شهروندان داده می‌شود و انتفاع از آن نیز به میزانی است که تعرضی به حقوق سایر شهروندان و نظم عمومی نداشته باشد. حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند، به واسطه زندگی در یک قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه ای میان او و دولت حاکمه، از آن برخوردار می‌شود.» بیرانوند، رضا، کوشا، جعفر، هاشمی، حمید و رنجبر، بهرام، ۱۳۸۹، صص ۲۰۳-۲۴۴»

در اسلام به حقوق شهروندی اهمیت ویژه ای داده شده است. در صدر اسلام می‌توان به پیمان برادری میان انصار و مهاجران، عدم برتری افراد بر یکدیگر به خاطر نژاد، ملت یا رنگ پوست، رعایت حقوق پیروان سایر ادیان در شهر مدینه، محترم شمردن عقاید، حق مالکیت و قوانین یهودیان و مسیحیان مدینه، جلوگیری از زنده به گور کردن دختران و حرکت به سوی حذف برده داری اشاره کرد. پس از پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم، مهمترین سند رعایت حقوق شهروندان، نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر و فرازهای حکیمانه نهج البلاغه از جمله خطبه ۲۱۶ است که درباره حقوق اجتماعی است. در این بیانات، امیرالمومنین علی (ع)، حقوق و مسئولیتهای شهروندان را به طور کامل تشریح و بر رعایت آنها تأکید ورزیده‌اند «هاشمی، حمید، ۱۳۹۰ ص ۲۶»

در مجموع، مباحث حقوق شهروندی از دیرباز مورد بحث قرار گرفته و می‌توان ریشه و

اساس آن را در دین مبین اسلام و ادیان الهی جستجو کرد. آیات و روایات فراوانی بر این موضوع دلالت دارد. از جمله قرآن کریم در آیه کریمه ۷۰ سوره اسراء به این مسئله مهم اشاره می‌کند.

حقوق شهروندی در اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت‌ها و ایده‌آل‌های بشری را دارد؛ بدین معنا که می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد. همان‌طور که گفته شد، نظام شهروندی به معنای واقعی آن، به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسؤولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (ص) در بیان گهرباری می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ۳۸) در همین زمینه گفته شد که در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی می‌باشد.

اگر بخواهیم موقعیت حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری را بررسی کنیم، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد؛ چه آن‌که به انسان در مقام «خليفة اللهی» حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال، او را مسؤول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. اساساً در نظام حقوقی اسلام به طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. از جهتی، در این نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی نیز به چشم می‌خورد. نکته مهم دیگر این است که در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شؤون جامعه و حکومت شرکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروند حتی به غیر مسلمانان نیز اطلاق می‌شود. در خصوص مسؤولیت شهروندان مسلمان در جامعه در قبال یکدیگر، پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد، از مسلمانان نیست. «مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲»

از طرفی دیگر، از آن جهت که هدف اسلام، ساختن همه انسان‌ها و دعوت آنها به احراز مقام خلیفه اللهی است، تعاون و همکاری در آن اهمیت به‌سزایی دارد، به طوری که در قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اسلامی با آیاتی رو به رو می‌شویم که ما را به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی‌ها سفارش می‌کند، (مائده ۲) که به خوبی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خود و مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است. مفهوم شهروندی در حقوق اسلام ارتباط تام و نزدیکی با مفهوم تابعیت در این دین دارد. اما تابعیت نیز به‌مانند آنچه در دوران مدرن «رابطه، حقوقی، سیاسی و معنوی فرد با دولت» ارفع‌نیا، بهشید، ۱۳۸۶، ص ۴۳ «تبیین و تعریف می‌شود در حقوق اسلام وجود نداشته است.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز بر اساس آموزه های قرآنی و اسلامی اصل مساوات را که از حقوق شهروندی است در تمام امورات حکومت مدینه برقرار ساخت و سعی نمود، تا با همگان به طور یکسان رفتار شود و هیچ گونه فرقی بین آنان نباشد، آن حضرت تمام افراد جامعه اسلامی را مانند دندانه های شانه با هم برابر و مساوی می دانست و معتقد بود که انسان ها هیچ مزیت و برتری بر یکدیگر جز تقوا ندارند. «النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَنَّانَ الْمِشْطِ؛ مردم چون دندانه های شانه مساویند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۳۴۸) دین مبین اسلام تمام انسان ها را برابر می داند و کلیه تفاخرها و امتیازات نژادی و اختلافات طبقاتی و برتری جویی های اجتماعی را نفی کرده و به صراحت اعلام کرده است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم» (حجرات ۱۳/۱) نمونه ای از تحقق حقوق شهروندی این است که شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می گیرند.

حقوق شهروندی مرتبط با دوران دستگیری متهم بند اول: منع دستگیری افراد بدون مجوز قانونی

طبق اصل سی و دوم قانون اساسی هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند... و برابر اصل سی و هفتم این قانون اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح به اثبات برسد. همچنین بر اساس ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی نیز اصل بر براءت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی شود؛ مگر این که اتهام او در دادگاه های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بیطرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت زمان معقول و بدون اطاله دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود.

رعایت منع دستگیری بدون مجوز قانونی، در اسناد بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. به نحوی که در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قید شده است: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد، از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات مقرر در قانون آئین دادرسی کیفری و طبق اقدامات ضابطین» (به ویژه مأموران نیروی انتظامی که بیشترین ارتباط را با مردم دارند) در مقام ضابط دادگستری، باید در اجرای قانون و با اجازه قانون صورت پذیرد. اصولاً، ضابطان دادگستری نمی توانند بدون داشتن حکم و اجازه قانون، شهروندی را که در پناه اصل براءت است دستگیر و آزادی او

را سلب کنند. در ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در ماده ۴، اصل بر برائت است و هرگونه اقدام محدود کننده و سالب آزادی را جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی غیر مجاز دانسته و همچنین عنوان می کند در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. از مجموعه نکاتی که ناظر بر این ماده است می توان به بعد قضایی اصل برائت اشاره کرد؛ به این صورت که فردی که در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار می گیرد تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بیگناه فرض می شود و هرگونه اقدام محدودکننده و سالب آزادی و غیره نسبت به او جز به حکم قانون و موارد مقرر در ماده ۴ قانون آ.د.ک. مجاز نیست «ساریخانی، عادل، ۱۳۹۴-۲۱۷». البته منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در سند امنیت قضائی نیز مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

بند دوم: تفهیم حقوق متهم تحت نظر

تفهیم اتهام که به مفهوم اعلام رسمی عمل مجرمانه متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد آمده است از جمله مهمترین حقوق دفاعی متهم محسوب می شود «اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، ۵۹». بهره مندی از این حق در اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری ایران مورد تصریح قرار گرفته است.

با توجه به ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری که در آن تفهیم حقوق مندرج در قانون موصوف به صورت کتبی دریافت رسید و ضم در پرونده تحت عنوان تکلیف ضابطان مقرر شده است این سؤال مطرح می شود که سرپیچی از این تکلیف چه عواقبی برای ضابطان و چه آثاری برای متهمان دارد. ماده ۶۳ همین قانون محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی را به عنوان ضمانت اجرای تفهیم حقوق متهم مقرر کرده است. لذا می توان گفت حق آگاهی از اتهام یکی از اساسی ترین و مهمترین حقوق فرد تحت نظر می باشد به این دلیل که اگر فرد علت توقیف شدنش را نداند اصولاً امکان دفاع نیز وجود ندارد و همچنین بالتکلیف بودن و سرگردانی متهم از نتایج عدم اطلاع او از علت سلب آزادی می باشد. و طبق اصل ۱۳ هر فردی که دستگیر می شود از همان ابتدا باید توسط مأموری که او را دستگیر یا بازداشت کرده اطلاعاتی درباره حقوق خویش و نحوه استفاده و اعمال این حقوق را دریافت کند «علم، محمود،

۱. ماده ۲۴- منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه هر شخص حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت در سایه امنیت قضایی برخوردار باشد. هیچ کس را نمی توان بازداشت یا الزام به تبعید یا اقامت اجباری کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده است. قضات موظفند موارد زیر را در فرایند دادرسی رعایت نمایند در غیر این صورت از مصادیق بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه به حساب می آید.

به منظور حفظ حقوق متهم، شهروندان در برخورد با جرایمی که در تبصره ۱ ماده ۴۵ مطرح شد اختیار مطلق ندارند و نمی‌توانند به بهانه حفظ نظم و کشف جرم، به دلخواه هر اقدامی را انجام دهند. همان گونه که ضابطان دادگستری نیز از چنین آزادی عملی برخوردار نیستند و باید طبق مقررات قانونی عمل کنند و در تعارض بین حقوق و آزادی‌های اشخاص و حفظ نظم و منابع عمومی هیچ کدام بر دیگری ترجیحی ندارد و این قانون است که محدوده عمل ضابطان دادگستری را مشخص می‌کند. و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هر گونه خشونت باید اجتناب شود؛ زیرا از یک سو متهم و حتی مجرم، دارای حقوقی هستند که برآمده از کرامت انسانی و حقوق شهروندی است و از دیگر سو ممکن است متهم، مجرم نباشد و نمی‌توان به صرف اتهام حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت «علیدوستی، ناصر، ۱۳۸۸، ص ۶۰».

در رابطه با تعقیب متهم هر چند ماده ۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ تعقیب متهم را نیز بر عهده ضابطان دادگستری قرار نداده است؛ زیرا تعقیب متهم یک امر قضایی است و بر عهده دادسرا می‌باشد. لذا ضابطان دادگستری حق تعقیب متهم را ندارند اما از آنجا که برخی اقدامات ضابطان دادگستری در جرائم مشهود مستلزم برخی اقدامات تعقیب فیزیکی است می‌توان تعقیب متهم را نیز یکی از وظایف ضابطان دادگستری در جرائم مشهود دانست تعقیب فیزیکی در جایی که متهم در جرم مشهود و یا در هنگام جلب، فرار می‌کند و ضابطان به تعقیب وی می‌پردازند همچنین مواردی از تعقیب نیز به دستور مقام قضایی صورت می‌گیرد که به معنای جستجوی متهم می‌باشد بنابراین ضابطان فقط در جرائم مشهود بدون دستور مقام قضایی می‌توانند تعقیب فیزیکی انجام دهند «زراعت، عباس، ۱۳۹۳، ص ۲۹۶».

اما ماده‌ای که امکان دارد حقوق متهم را تهدید کند تبصره ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک می‌باشد در این تبصره آمده است زمانی که مرجع قضایی تشخیص دهد که حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند علت احضار ذکر نمی‌شود. به علت اینکه ممکن است در مورد یک پرونده واحدی برداشت‌های مختلفی شود و مصلحت را به برداشت خود تفسیر و تعیین نمایند و مشکل از آنجاست قانونگذار تعریف جامع و کاملی از مصلحت ارائه نداده است «باقری، علی احمد، ۱۳۹۴، ص ۵۵»

الف: برخورداری از حق سکوت

حق سکوت^۱ نیز از جمله مواردی است که پلیس ملزم به رعایت آن در راستای تضمین اصل برائت است. این حق از جمله حقوق به رسمیت شناخته شده برای متهم در مرحله کشف جرم و هم در مرحله تحقیقات مقدماتی است، منتهای مراتب بین اعلام این حق در مرحله کشف جرم و حق بهره‌وری از آن در مرحله تحقیقات مقدماتی باید قائل به تفکیک شویم. در تفکر حقوقی امروز نه تنها حق سکوت متهم و حق داشتن وکیل محترم شمرده شده است بلکه پلیس قضایی یا مقام تعقیب مکلف است پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعلام هویت و تفهیم اتهام حقوق مذکور به وی را اعلام کند.

یکی از مهمترین دلایلی که برای حق سکوت ذکر شده، این است که حق سکوت ریشه در اصل برائت دارد. این اصل در اسناد بین‌المللی مختلف بطور صریح ذکر شده است که در این زمینه می‌توان به اصل ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اشاره کرد. رابطه بین اصل برائت و حق سکوت سالهاست که شناخته شده است. اگر اصل برائت متهم باشد، بی‌گمان ساده‌ترین و روشن‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت آن است که دادستان باید دلایل علیه متهم را فراهم آورد و تا زمانی که این دلایل جمع‌آوری نشده، متهم بی‌گناه فرض می‌شود و فرد بی‌گناه را نمی‌توان ملزم به پاسخ‌گویی به سوالات پلیس و مقامات قضایی نمود.

در قوانین جزایی ایران، حق سکوت متهم به صراحت مورد توجه قرار نگرفته بود تا اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از الزامات قانونی برای پلیس در خصوص رعایت حقوق شهروندی، تفهیم حق سکوت به متهم می‌باشد. در حقوق ایران با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند؛ در این صورت، مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورتجلسه قید می‌شود.» ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۳۸۳، ۳۴. در خصوص حق اعلام سکوت باید میان زمان دستگیری متهم و ابلاغ احضاریه، تفکیک قائل شد. بدینگونه که در زمان دستگیری، متهم برای رهایی از وضعیت به وجود آمده، ممکن است اظهارات نسنجیده‌ای نزد ضابطان دادگستری مطرح نماید که در پی آن، به زیان وی تمام شود. همانگونه که برخی نیز معتقدند، این امر باعث می‌شود که وکیل در مراحل بعدی دادرسی نیز نتواند آن را جبران نماید» گلدوزیان، ایرج، ۱۳۷۵، ۱۴۱.»

ب: حق ملاقات با متهم

یکی دیگر از مصادیق استانداردهای حقوق متهم، حق اطلاع و ملاقات خانواده متهم با فرد دستگیر شده است. در واقع دستگیری و بازداشت متهمان علاوه بر اینکه موجب سلب آزادی افراد می‌شود زندگی اعضای خانواده و خویشاوندان وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا بی‌اطلاعی اعضای خانواده از سرنوشت و محل بازداشت فرد دستگیر شده، باعث افزایش نگرانی آنها و همچنین گاهی موجب ورود صدمه‌ها و آسیب‌های شدید روحی و روانی به اعضای خانواده می‌شود» فرجی‌ها، محمد، مقدسی محمد باقر، ۱۳۹۰، ۲۰».

زمانی که خانواده متهم از جریان دستگیری یا تحت نظر قرار گرفتن آن اطلاع یابند می‌توانند مقدمات دفاع و تسهیلات لازم (از قبیل وکیل و...) را برای او در نظر بگیرند لذا در جریان قرار دادن خانواده متهم می‌تواند زمینه ساز احقاق حقوق دفاعی متهم باشد» بیرانوند، رضا و دیگران، ۱۳۸۹، ۲۲۷».

هر فردی که زندانی یا بازداشت می‌شود این حق را دارد که بلافاصله اعضای خانواده یا فرد منتخب خود را از دستگیری و بازداشت آگاه کند، و در برخی موارد که محل بازداشت نیز تغییر می‌کند شخص متهم این اجازه را دارد که محل جدید را به اعضای خانواده یا هر کسی که خود متهم مورد نظرش است اعلام کند» شمسایی محمد؛ رضوی محمد، ۱۳۹۲، ۱۲۷».

بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اینچنین مقرر می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال می‌شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.»

با تصویب این ماده واحده گام مثبتی در این راستا برداشته شد. اما به دلیل برخی مشکلات از قبیل عدم جامعیت و ضعف ساز و کارهای تضمین کننده، این حق در عمل نتوانست به هدف اصلی خود که کاهش موارد بی‌خبری خانواده‌های متهمان بازداشت شده و پیشگیری از اعمال سلیقه‌های شخصی افسران پلیس در تفسیر وقایع جنایی و اشخاص شایسته برخورداری از این حق دست یابد.

سرانجام قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۵۰ بیان نموده که شخص تحت نظر می‌تواند با تلفن یا هر وسیله ممکن افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودنش آگاه کند. و قانونگذار ضابطان را هم مکلف به انجام کمک‌های لازم در این زمینه نموده مگر آنکه بنا بر ضرورت ضابطان تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. و در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند. بنابراین اصل برائت

ایجاب می‌کند که تدابیری اتخاذ شود که آسیب‌های وارده از اتهام به متهم و خانواده او به حداقل ممکن برسد؛ زیرا بی‌اطلاعی خانواده و خویشاوندان از سرنوشت متهم باعث وارد شدن آسیب‌های زیادی به آنها می‌شود.

همچنین در ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری همانند قوانین سابق، در مورد متهم مجلوب که توسط ضابطان دادگستری و به موجب دستور صادره از مقام قضایی جلب شده، اعلام شده که متهم مجلوب باید فوراً نزد بازپرس یا مقام قضایی صادر کننده دستور جلب اعزام تا تعیین تکلیف شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد.

در مورد زمان مدت تحت نظر باید گفت با توجه به قید خارج از وقت اداری مذکور در ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اینکه تأسیس تحت نظر نهادی در بحث جرم مشهود و در کنار تحت نظر بیست و چهار ساعته در جرم مشهود، سخن رفته است، به اشتباه مدت زمان این تأسیس نیز بیست و چهار ساعت تصور شود. صرف نظر از اینکه با توجه به تبصره منسوخه ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مدت تحت نظر در جرائم خاص می‌توانست به بیش از یک هفته افزایش یابد، مقررات و تشریفات که باید در طول مدت تحت نظر رعایت شود، دلالت بر این دارد که مدت تحت نظر نهادی بیش از ۲۴ ساعت است هر چند عدم تعیین حداکثر مدت زمان تحت نظر نهادی، ایراد اساسی دیگری است که مطرح می‌شود.

در مورد محل تحت نظر باید گفت، قانون آیین دادرسی کیفری محلی که متهم تحت نظر در آن نگهداری می‌شود و اینکه محل مزبور چه عنوان یا امکاناتی دارد یا باید داشته باشد و اینکه تابع مقررات حاکم بر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور می‌باشد یا خیر سخن نگفته است. به نظر می‌رسد با توجه به لزوم دسترسی دائمی یا فوری ضابطان به متهم تحت نظر، لازم است محل مخصوصی برای نگهداری این دسته از متهمین با امکانات و استانداردهای لازم در نظر گرفته شود.

ج: حق داشتن وکیل

مطابق اصل سی و پنجم قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. دسترسی به وکیل یکی از اصول اولیه دادرسی عادلانه است؛ چرا که متهم بدون آگاهی از قواعد و آیین حقوقی نمی‌تواند به نحو شایسته از خود دفاع کند بنابراین نیازمند فردی است که در این زمینه، دانش و تبحر خاصی داشته باشد. حق برخورداری از وکیل در مرحله تحت نظر و در کل فرآیند دادرسی کیفری به عنوان یک حق مسلم در معاهدات و

اسناد بین المللی نیز شناخته می‌شود. در اسناد بین المللی حقوق بشری مانند اسناد معاهده ای و غیر معاهده ای سازمان ملل دسترسی به وکیل ناظر به مرحله یا مراحل خاصی از فرآیند دادرسی کیفری نیست و متهمان این حق را دارند که در تمامی مراحل فرایند کیفری از حمایت‌های قانونی وکیل برخوردار باشند» شمسایی، محمد، رضوی، محمد، ۱۳۹۲، ۱۲۹».

در سندی که تحت عنوان اصول اساسی راجع به نقش وکیل دادگستری در هشتمین کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان که در هاوانا (سال ۱۹۹۰) برپا شد اصل ۷ این سند بیان می‌کند که دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اشخاص به مجرد دستگیری، توقیف، یا متهم شدن به یک وکیل دسترسی فوری خواهند داشت و این دسترسی در هر پرونده‌ای بیش از ۴۸ ساعت پس از دستگیری و بازداشت به طول نینجامد. و همچنین اصل ۸ این سند تاکید دارد که اشخاص توقیف شده باید از زمان کافی، تسهیلات مناسب جهت ملاقات با یک وکیل و یا مکاتبه و مشاوره با وی بدون استراق سمع یا سانسور و به صورت کامل محرمانه برخوردار باشند.

در قوانین ایران اصل سی و پنجم قانون اساسی حق برخورداری از وکیل را برای طرفین دعوا یعنی متهم و بزه‌دیده به عنوان یک حق اساسی مورد توجه قرار داده است.^۱ همچنین بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ به استفاده از وکیل اشاره نموده اما در باب حضور وکیل در مرحله کشف جرم و تحت نظر هیچ تصریحی نشده است. سرانجام قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این خلاء قانونی را برطرف نموده و برای اولین بار حضور وکیل را نه تنها نزد بازپرس بلکه هنگام تحت نظر قرار گرفتن نیز پذیرفته است. ماده ۴۸ قانون اخیرالذکر بیان کرده است که شخص متهم از همان شروع تحت نظر می‌تواند تقاضای وکیل کند و ملاقات وکیل با متهم به مدت یک ساعت پیش بینی شده است. این ماده برای نخستین بار چنین حقی را به متهم می‌دهد. لذا در این زمینه می‌توان مسائلی از قبیل حق درخواست وکیل، حدود دخالت وکیل، زمان دخالت وکیل و همچنین شکل و مدت آن را مورد بررسی قرار داد.

چ: حق متهم جهت تشکیل پرونده شخصیت

مهمترین هدف اعمال مجازات این است که متهم با تحمل مجازاتی که بر او بار شده و سختی‌های آن، احساس ندامت و پشیمانی کند و جنبه ارباب انگیز و بازدارنده پیدا کند تا دیگر مرتکب عمل مجرمانه نشود. برای اینکه کیفر جنبه ارباب انگیز و بازدارنده خود را داشته باشد و

۱. اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنان امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

مرتکب دیگر به سراغ جرم نرود باید عواملی که باعث شده فرد به سمت جرم برود را شناخت. به عبارت دیگر برای اتخاذ مجازات متناسب با جرم و کیفر معقول و منصفانه به جهت اصلاح و درمان مجرم بر اساس وضعیت بزهکار، مطالعه شخصیت مجرمین از جهت روانی، جسمی، محیطی، خانوادگی که در هر فرد متفاوت است امری ضروری است «شاملو، باقر، کوزلی، مهدی، ۱۳۹۰-۱۱۸، ۸۹» در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۰۳، بازپرس در کنار پرونده کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی را می دهد. آن هم در جرائم خاصی؛ در جرایمی که مجازات آنها، سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر، در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی (در این جرایم باید میزان دیه ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیشتر از آن باشد) و همچنین در مورد اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد وارد در ماده ۲۰۳ در جرایم تعزیری درجه پنج و شش تشکیل پرونده شخصیت الزامی است. پرونده شخصیت توسط مددکار اجتماعی در واحد مددکاری اجتماعی تشکیل می گردد و حاوی مطالب زیر است:

۱. گزارش مددکار اجتماعی در رابطه با وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم

۲. گزارش پزشکی و روانپزشکی

پرونده شخصیت برای تحقق اصل تناسب جرم با مجازات و به جهت تخفیف در مجازات مرتکبین که امری اختیاری است تشکیل می گردد. اختیاری بودن از نظر برخی حقوقدانان اشتباه است. زیرا در عمل برخی قضات از اعمال تخفیف امتناع می ورزند و امتناع از تخفیف به دلائل مختلف صورت می گیرد از جمله اینکه بعد از صدور حکم و اعمال تخفیف حرف و حدیثی پیش نیاید «گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷». در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی موارد تخفیف و تبدیل و معافیت از مجازات بیان شده است.

در پرونده شخصیت بررسی جرم و جوانب آن مدنظر نیست، بلکه شخصیت مجرم از جوانب مختلف روحی، روانی، فیزیکی، محیطی، پیرامون او مورد بررسی قرار می گیرد. این امر گامی در جهت اصل فردی کردن مجازات و رعایت انصاف و عدالت در دادرسی که به آن عدالت ترمیمی می گویند و تضمین یک دادرسی منصفانه می باشد «محمدیان، سارا، پوربابک، محمدرضا، ۱۳۹۲ ص ۳۲۱». لازمه تشکیل پرونده شخصیت و شناسایی شخصیت مجرم، شناخت حالت خطرناک او و ویژگی های آن می باشد. «نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۹-۱۳۹۰، ۲۱۵». در پرونده شخصیت، شناسایی کامل متهم از جنبه های مختلف و انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم مدنظر است و باید از جنبه های مختلف بررسی شود و مراحل مختلف معاینه و مشاهده، تشخیص و تجویز راهکار را طی کند. نیازمند است اشخاص متخصص در این زمینه گزارش تهیه کنند. هدف از پرونده شخصیت شناخت مجرم به منظور انتخاب کیفر متناسب با جرم

می باشد. پرونده شخصیت جزو شاخه جرم شناسی بالینی و ریشه در اصل تناسب جرم با مجازات دارد.

ح: حق متهم جهت تماس با خانواده

حق متهم مبنی بر تماس خانواده یا آشنایان در راستای تضمین حقوق متهم و رعایت حقوق شهروندی می باشد. ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین را مکلف کرده تا همکاری لازم را در جهت تماس متهم با خانواده خود فراهم آورند.^۱ این ماده در رابطه با افرادی است که جلب شده اند. این موضوع در ماده ۵۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد تاکید قرار گرفته به نحوی که بیان می دارد: «و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. متهم باید تحت حمایت قانونگذار از حقوق خود بهره مند شود و یکی از این حقوق آن است که متهم بتواند به خانواده خود اطلاع دهد. در واقع حقوق دفاعی متهم ایجاب میکند که متهم خانواده خود را از دستگیری خود مطلع کند تا با کمک آنها بتواند از حقوق دفاعی خود و تسهیلات لازم همچون وکیل، استفاده از مترجم رایگان و غیره بهره ی لازم را ببرد» بیرانوند، رضا، کوشا، جعفر، هاشمی، حمید، رنجبر، بهرام، ۱۳۸۹، ۲۳۷».

بند سوم: ممنوعیت شکنجه و رفتارهای اهانت آمیز

منع شکنجه و رعایت آن از سوی پلیس و مرجع قضایی و همچنین انجام رفتارهای صحیح از سوی آنها، در حقوق ایران و اسناد بین المللی مورد تایید قرار گرفته شده است که به صورت تفصیلی آنها را بیان می نمایم. در حقوق ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است... به علاوه برابر اصل سی و نهم قانون مذکور هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به منع شکنجه کرده است. برابر بند (۹) قانون مذکور هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. همچنین

۱. شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند»

بند (۶) این قانون بیان می‌دارد: در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف آنان اجتناب گردد. در این زمینه، بند (۷) قانون مزبور اعلام می‌دارد: بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند. تهدید و شکنجه متهم توسط پلیس حسب ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری نهی شده است. به نحوی که در ماده مذکور توضیح داده: «مأمورین انتظامی، در بازجویی‌های خود، حق اجبار یا تهدید متهم، استفاده از کلمات توهین آمیز، طرح سوالات اغفال کننده، و سوالات خارج از موضوع اتهام را ندارند و اظهارات متهم که ناشی از شکنجه و تهدید و اجبار باشد معتبر نیست.»

نکته پایانی اینکه ضمانت اجرای این عنوان در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. براساس ماده ۵۷۸ این قانون هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید و علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

بند چهارم: حریم خصوصی و شخصی متهم

حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته و ناخوانده به انسان. حریم خصوصی یعنی محرمانگی و پنهان ساختن برخی امور از دیگران. بند (۸) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بیان می‌دارد: بازرسی و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد. همچنین بند (۱۱) قانون مذکور ابراز می‌دارد: از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد. لذا هیچ کس حق ندارد به خانه، مغازه، محل کار شخصی کسی بدون اجازه صاحب آنها وارد شود... و یا به تلفن و نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف مرکز گناه هر چند بزرگ باشد شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار

مردم باشد و تجسس از گناهان نیز نماید و با اسراری که از غیر به او رسیده، او برای یک نفر فاش کند. حریم خصوصی نه تنها از آزادی و استقلال افراد در قبال هم نوعان خود و رسانه‌ها حمایت می‌کند، بلکه وسیله‌ای است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت است.

اول: حریم خصوصی در اسناد بین‌المللی

حق حریم شخصی به خوبی در قوانین بین‌المللی تصریح شده است. به دنبال پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و ماده ۱۲ که مستقیماً در رابطه با موضوع حریم شخصی است، شروط مشابهی در قرارداد بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر و سایر کنوانسیون‌ها و توافقات منطقه‌ای آمده است. اعلامیه حقوق بشر؛ مطابق ماده ۱۲ اعلامیه «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه، یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد» بر اساس ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود و هر کسی حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار شود»؛ که دولت ایران نیز در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۴ به این میثاق پیوسته است و مواد آن در حکم قوانین داخلی و لازم‌الاتباع است. طبق ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند و در امور زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او با مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود مسکن هر فرد در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره کرد.»

دوم: قانون اساسی

اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین سند در مورد حریم خصوصی است که در عین موجز و کلی بودن آن به ابعاد مختلفی از حریم خصوصی توجه شده است مانند حریم خصوصی معنوی (حیثیت)، حریم خصوصی جسمانی (جان)، حریم خصوصی مکانی (مسکن و شغل). در این ماده قید شده است. اصل ۲۵ قانون اساسی: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و

نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» این اصل هرگونه تجسس را ممنوع اعلام کرده است. ماده ۱۵۰ جواز کنترل تلفن افراد را محدودتر کرده و صرفاً در مواردی که کنترل تلفن مرتبط با امنیت کشور یا مرتبط با جرایم مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جایات عمدی مستلزم یک سوم دیه یا بیشتر می باشد، مجاز دانسته است. در مورد حریم ارتباطی و مصونیت مکاتبات و مراسلات، ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری نیز، بازرسی این موارد را مشروط به احراز ظن قوی به کشف جرم، آن هم توسط قاضی و تفتیش در حضور متهم دانسته است.

مخاطبین اصل ۲۵ قانون اساسی هم شهروندان وهم دولت می باشند. مثلاً استراق سمع و افشای آن می تواند توسط شهروندان نیز صورت گیرد، اما سایر موارد مذکور در اصل ۲۵ جزو اموری است که اصولاً نقض آنها فقط توسط دولت با امکاناتی که در اختیار دارد امکان پذیر است. اصل ۳۹ «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است» زمانی که حریم خصوصی و محل زندگی افراد براساس قانون باید توسط ضابطان دادگستری مورد بازرسی قرار گیرد طبق ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک معاینه محل باید در روز صورت گیرد و زمانی که انجام آن ضرورت پیدا کند می تواند شبانه نیز انجام شود که این ضرورت را مقام قضایی تشخیص می دهد. و این محدودیت زمانی در معاینه محلی اماکن خصوصی و همچنین اماکنی که در حکم اماکن خصوصی باشد (مانند سینما و تئاتر در زمانی که مراجعه افراد به آنجا ممنوع باشد) اما معاینه محل در اماکن عمومی از محدودیت زمانی برخوردار نیست «زراعت، عباس، ۱۳۹۳، ۳۲۴».

سوم: قانون مجازات اسلامی

ماده ۵۸۰: برابر ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵_هر یک از مستخدمان و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی و بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. در خصوص حق حریم خصوصی ارتباطاتی ماده ۵۸۲ ضمانت اجرای کیفری مناسب پیش بینی کرده است. در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی آمده است «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» مطابق بند ۶ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی «در جریان دستگیری و بازجویی و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف نسبت به

آنان، اجتناب گردد» در بند ۸ ماده واحده که مبین یک استثنا بر حق حریم خصوصی یعنی مواردی که برای کشف یک جرم نقض حریم خصوصی لازم و ضروریست رعایت حدود تخطی از اصل حرمت حریم خصوصی را بیان می‌کند.»

چهارم: قانون آیین دادرسی کیفری

توجه به اصول کلی حقوق کیفری نظیر اصل برائت و حاکمیت آن و توجه به کرامت انسان‌ها و حرمت حریم خصوصی آن‌ها از جمله علل اصلی تدوین آیین دادرسی کیفری است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای حمایت بیشتر از متهم تکالیف زیادی را از همان آغاز تحت نظر متوجه ضابطان و سایر مقامات مربوط نموده است از جمله این تکالیف ماده ۴۷ ق.آ.د.ک ۹۲ است که تکالیفی را بر عهده ضابطان در قبال اطلاع مقام قضایی گذاشته است ماده اینطور بیان می‌کند. اگر فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه دستگیر شود باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام کنند و قانونگذار دادستان یا قاضی کشیک را به بررسی موضوع و در صورت نیاز به حضور در محل تحت نظر مکلف کرده است. همچنین ماده ۴۹ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «به محض آن که متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعلام می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر، برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.»

پنجم: فرمان هشت ماده ای بنیانگذار انقلاب اسلامی

فرمان هشت ماده ای حضرت امام خمینی (ره) در ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱ به خاطر برخی گزارش‌هایی نقض حقوق شهروندان و حریم خصوصی توسط ارگان‌های دولتی و بخصوص قضایی و انتظامی صادر شد.

- ورود به مغازه‌ها، محل کار و منازل بدون اذن صاحب خانه برای جلب یا به نام کشف جرم ممنوع است.
- شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست.
- تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد. فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است.

ششم: آیات قرآن و روایات

الف) آیات قرآن

در قرآن کریم نیز به عنوان دستور زندگی ابناء بشر در آیات مختلف حریم خصوصی افراد و حفظ حقوق شهروندی آنها را مورد تأکید قرار داده است این آیات نشانگر توجه خداوند و دین اسلام به حفظ حریم خصوصی شهروندان می باشد از جمله این آیات آیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَلَيْسَ بِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.» در این آیه حتی گمان و ظن نیز مذموم شناخته شده است. و همچنین در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور نیز به حریم خصوصی افراد اشاره نموده است.

ب) روایات

روایات نیز به شدت از ورود بدون اجازه به خلوت دیگری و تجسس نهی کرده اند. امام علی علیه السلام در نامه ی خویش به مالک اشتر، هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند، وی را از تجسس در احوال مردم باز داشته، او را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می سازند، سفارش فرموده و چنین می فرماید: «باید دورترین مردم از تو و مبعوض ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آنکه در مردم، لغزشهایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشاندن آنها سزاوارتر است؛ پس در جستجوی امور پنهان مباش. وظیفه تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که بر هر آنچه از تو نهان است حکم می کند. پس تا آنجا که می توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند... و از آنچه در نظرت روشن نیست، کناره گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می شود، خیانتکار است.»^۱

بند پنجم: حقوق اختصاصی متهمان زن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

در قوانین موضوعه ایران همچون قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر مقررات و آیین نامه ها حقوق زیادی برای متهمان و همچنین حقوق ویژه ای برای متهمان زن پیش بینی شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و یکم تأکید خاصی بر حقوق زنان دارد. در عین حال، به لحاظ آسیب پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان و با توجه به ویژگی ها و خصوصیات جسمانی آنها، گاهی حمایت های کیفری خاصی را از رهگذر جرم انگاری های مستقل پیش بینی و قوانین شکلی خاص را وضع کرده

۱. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه ۵۳، ص ۳۲۸

است. «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» که اولین و تنها سند جامع حقوقی زنان در ایران به شمار می‌رود نیز در این راستا گام برداشته است. تفاوت‌های جنسیتی زنان با مردان، آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان و توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی آنها موجب شده است که نظام حقوقی حاکم بر ایران گاهی حمایت‌های کیفری خاصی را از رهگذر جرم‌انگاری‌های مستقل و وضع قوانین شکلی خاص پیش‌بینی کند» (مهرا، نسرین، ۱۳۸۴، ۱۱). متهمان زن علاوه بر حقوق عامی که همه‌ی متهمان از آن بهره‌مند هستند، باتوجه به ویژگی‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری به یک سلسله حقوق و حمایت‌های اختصاصی نیاز دارند. از اینرو، با عنایت به مبانی انسان‌شناختی و ویژگی‌های اختصاصی زن، و اینکه ضرورت بهره‌مندی از پلیس و ضابط زن و لزوم آموزش ضابطان زن برای بازجویی از متهمان زن در مرحله‌ی کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و برخورداری از فرصت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به ویژه در جرائم منافی عفت، بهره‌مندی از مددکار و مشاور زن در مرحله‌ی دادرسی و به همراه داشتن طفل، لزوم بهره‌مندی از مأمور بدرقه زن از جمله حقوق متهمان زن در مرحله‌ی اجرای حکم به شمار می‌آید. علاوه بر این حقوق مشترک بین متهمان زن و مرد، حقوقی نیز مختص متهمان زن است که عبارت است از: ضرورت وجود پلیس زن برای حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و بزهکار، ضرورت وجود ضابط زن برای انجام بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان و همچنین بازجویی به وسیله‌ی ضابط آموزش دیده‌ی زن.

اول: ضرورت وجود پلیس زن

با توجه به تحولات جوامع امروزی و رو به فزونی نهادن حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، آمار بزه‌کاری زنان نیز رو به ازدیاد است. بر همین اساس در دهه‌های کنونی در خیلی از کشورهای جهان، سازمان‌های پلیسی احساس کردند که نیاز به استفاده از نیروی پلیس زن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بدون شک و تردید حضور اجتماعی رو به افزایش زنان از یک طرف موجب انواع بزهکاری و بزه‌دیدگی‌های آنان را فراهم نموده و از سوی دیگر دلیل ورودشان به عرصه‌ی فعالیت‌ها و مشاغل پلیسی، کیفری و قضایی شده است. پلیس زن می‌تواند همانند مردان همکار خود، به خوبی مأموریت‌های پلیسی انجام دهد. مأموریت‌های بانوان مانند بازرسی مرتبط با بانوان، آزمون راهنمایی و رانندگی مخصوص زنان، انگشت‌نگاری بانوان، بازدید از اماکن خاص زنانه و مبادی ورود و خروج از کشور هنگامی مطابق موازین اسلامی و شرعی انجام می‌شود که مأموریت به وسیله‌ی زنان پلیس انجام شود. حتی استفاده از پلیس زن در برخی موارد همچون تحقیق از کودکان بزه‌دیده و همچنین زنان قربانی خشونت با توجه به روحیات و عواطف زنان و نیز امکان برقراری ارتباط بهتر میان پلیس و بزه‌دیده برای نیروی

پلیس کارایی بیشتری خواهد داشت. در عین حال ایجاد حس اعتماد و آرامش برای کودک بزه دیده، او را از آسیب های جدی در زمان بازجویی و به عبارت دیگر از قربانی شدن مکرر در مقابل دستگاه عدالت کیفری در امان خواهد داشت» باقری نژاد، زینب، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱.»

دوم: ضرورت وجود ضابط زن

ماده ۶ دستورالعمل روابط کاری کارکنان انتظامی زن تصریح دارد: که یگان های انتظامی ناجا ملزم به استفاده از خدمات انتظامی زن در مشاغلی هستند که به نحوی به بازرسی بدنی زنان نیاز دارد. برخی از این موارد عبارتند از: بازرسی زنان در هنگام ورود و خروج به اماکن و تأسیسات، مبادی ورودی به شهرها، فرودگاهها و... همینطور مطابق ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری؛ تفتیش و بازرسی از منزل یا محل سکناى افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می آید.

راجع به ضمانت اجرای تخلف از این حقوق می توان به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد که مضاف بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، حبس از دو ماه تا سه سال را تعیین کرده است. همچنین باید توجه داشت که رعایت نکردن حقوق دفاعی متهمان و هتک ایشان، در فرایند کیفری، از قبیل بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان به وسیله ی ضابط مرد، ممکن است ضمانت اجراهای اداری و کیفری را برای پلیس به دنبال داشته باشد» صابری، محمود و عبدالرسول دانش نژاد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸.

سوم: مددکاری و مشاوره زنان متهم به وسیله ی زنان

مطابق تبصره ۲ ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری «در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد» نیز ضروری است. ماده ۴۱۰ و تبصره های آن درباره ی متهمانی است که وارد مرحله ی دادرسی شده اند و در حال محاکمه هستند؛ باید رعایت شود. در آنجا طبق اصول انسانی، باید در کنار قضات مشاور زن حضور داشته باشد تا در صورت نیاز به آنها مشاوره های لازم ارائه دهد، اما با توجه به فلسفه ی این ماده و تبصره های آن و همچنین الزامات اسناد بین المللی مختلف باید از این مشاوره ها در مرحله ی دادرسی و حتی کشف و تعقیب نیز «در کنار ضابط و بازپرس» استفاده شود تا حقوق بانوان متهم کامل محفوظ بماند و زنان احساس امنیت و آرامش بیشتری کنند. ضمانت اجرای تخلف از موارد مذکور در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی ذکر شده است.

بند ششم: حقوق دفاعی متهم طفل در مرحله کشف جرم

در حقیقت یکی از وظایف بسیار مهم پلیس به نوجوانان مربوط می‌شود، در حالی که بخش کوچکی از امور وسیع و پیچیده پلیس را تشکیل می‌دهد. آنان نخستین کسانی هستند که با نوجوانان معارض قانون تماس پیدا می‌کنند. در حقیقت این ایده که پلیس، وظیفه مسئولیتی جز کنترل جوانان ندارد، باطل است؛ چرا که افسران پلیس ویژه اطفال برای نوجوانان تصمیم می‌گیرند که باید آزاد شوند و یا اینکه آنها را به دادگاه نوجوانان یا مرجع دیگری هدایت می‌کنند. نقش پلیس در این مقوله با یک مددکار اجتماعی اشتباه نشود، بلکه پلیس نباید و نمی‌تواند یک مددکار اجتماعی باشد، گرچه در اهداف و فعالیت‌هایشان اتفاق نظر دارند و با یکدیگر همکاری می‌کنند.

اول: ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال

مطابق ماده ۱۷ لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان؛ تمام وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرایم مرتبط با افراد مشمول این قانون حسب مورد زیر نظر دادسرا یا دادگاهی که به طور مستقیم به جرم آنان رسیدگی می‌کند، توسط پلیس ویژه انجام می‌شود، بجز جرایم تروریستی که وزارت اطلاعات در چهارچوب این قانون اقدام می‌کند. با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان دارای طبعی بسیار حساس بوده و قابلیت اصلاح و تربیت را دارند، چنانچه در اقدامات حمایتی و هدایتی سهل‌انگاری شود، ممکن است در آینده به مجرمی خطرناک تبدیل شوند. و بعضاً مشاهده شده است که رؤسای کلانتری‌ها از مددکاران اجتماعی و مشاوران برای کشف جرم استفاده می‌کنند که می‌توانند تأثیر حیاتی در فرایند دادرسی داشته باشند. لذا شایسته است؛ بهره‌گیری از مددکار اجتماعی در تحقیقات پلیس ویژه بعنوان یک تکلیف قانونی باشد نه اختیاری.

دوم: تشکیل پرونده شخصیت

مطابق با ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق در جرایم اطفال را توسط دادرس و یا درخواست آن توسط قاضی تحقیق قابل اجرا دانسته و دادگاه مکلف بوده همه وظایفی را که برابر قانون به عهده ضابطین است، رأساً به عمل آورد. ولی با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ براساس ماده ۲۹۸ آن دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. و نظر مشاور، مشورتی است. و در تبصره ی آن اضافه کرده است توی هر حوزه قضایی شهرستان بر حسب نیاز یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل می‌گردد. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود. عملاً مشاهده می‌شود که در مراحل رسیدگی مقام قضایی پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به

ضابطین ارجاع می نماید، پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی است، یکی از مهم‌ترین وظایف جرم‌شناسی بالینی، تعیین طرق معالجه بزهکار بر مبنای ویژگی‌های جسمی و روانی و روحی او و درجه ابتلای او به نابهنجاری‌های اجتماعی است و با این ترتیب از تکرار جرم نیز می‌توان جلوگیری به عمل آورد «از طریق اهتمام در مراقبت و نگهداری مجرمین». به عبارت دیگر، جرم‌شناسی بالینی با استفاده از سایر علوم مرتبط توانایی و اصلاح‌پذیری فرد بزهکار را اندازه‌گیری نموده و یا در مورد افرادی که حالت خطرناک دارند، درجه‌ی انحراف و خطرناک بودن‌شان اندازه‌گیری می‌شود و تجویز لازم جهت درمان بیماری آنان به عمل می‌آید. در پرونده شخصیتی سعی در بررسی جرم نیست بلکه شناخت کلی مجرم مطرح است، که می‌تواند قاضی را در اتخاذ یک مجازات متناسب برای اصلاح و درمان مجرم یاری دهد که گامی مهم در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها و به سیاست عدالت ترمیمی^۱ رعایت انصاف و عدالت در دادرسی کیفری می‌باشد که از آن یاد می‌شود.



^۱. فرایندی است که تا حد ممکن آنانی را که در جرم خاصی نقش داشته‌اند و نیز ضررها و نیازها و الزامات بزه دیدگان را برای درمان و جبران آنها در بر می‌گیرد.

نتیجه گیری

فلسفه‌ی وجودی رعایت حقوق شهروندی؛ موضوع جدید و تازه‌ای نیست. بلکه این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته؛ و در اصول متعددی از آن برای حقوق تصریح شده است، لکن در قوانین عادی کمتر مورد توجه قرار گرفته که پس از گذشت بیش از دو دهه از عمر انقلاب اسلامی حقوق شهروندی در قوانین عادی مورد توجه خاص قرار گرفت. قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده و بدون تردید گام‌های مهمی را در راستای حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است و این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست که به موجب آن کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تامین حقوق دفاعی متهمان مکلف شده‌اند. متهم حق دارد بداند که در مرحله‌ی کشف جرم و تحقیقات مقدماتی حقوقی از جمله «منع دستگیری افراد بدون مجوز قانونی، تفهیم حقوق متهم تحت نظر، برخورداری از حق سکوت، حق ملاقات با متهم، حق داشتن وکیل، حق متهم جهت تشکیل پرونده شخصیت، حق متهم جهت تماس با خانواده، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای اهانت‌آمیز، حفظ حریم خصوصی و شخصی متهم» دارد. بر این اساس پلیس وظیفه دارد شهروندی را که در معرض اتهام قرار می‌گیرد؛ به وی اطمینان بدهد که حقوق وی در این مسیر قابل احترام بوده و چنانچه هر یک از عوامل پلیس حقوق او را مورد تعرض قرار دهد می‌تواند برای جبران خسارت وارده و اعاده حیثیت خود چه کند و به کجا شکایت نماید و در مجموع نقض حقوق او با ضمانت اجرای قانونی همراه خواهد بود. فلذا ضابطان دادگستری پس از تحت نظر قرار دادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل و ... شده‌اند.

فهرست منابع

الف) کتب

۱. آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن عربی، محمد بن علی ۱۳۸۱، فتوحات مکیه، ترجمه: خواجهی، محمد، تهران، نشر مولی، ج ۲، ص ۲۹۹.
۴. اردبیلی، محمد علی، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۱۳۸۵ ص ۵۹.
۵. ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، نشر بهتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۳.
۶. باقری نژاد، زینب، بررسی تطبیقی پلیس در حمایت از کودکان شاهد جرم، تهران: حدیث کوثر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه دانش، تهران.
۸. جوانمرد، بهروز، فرایند دادرسی کیفری، چاپ اول «تهران، جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳»، جلد اول، ص ۲۶۸.
۹. رضایی پور، آرزو، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، انتشارات سپهر ادب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۲۰.
۱۰. زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول ۱۳۹۳، تهران نشر میزان، ص ۲۹۶.
۱۱. علم، محمود، دادگستری استاندارد در اسناد بین المللی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۴، ص ۷۲.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ ص ۵۶۴
۱۳. گلدوست جویباری، رجب، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷
۱۴. گلدوزیان، ایرج، کیفیت تحصیل دلیل گفتارهایی در حقوق کیفری». چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ش
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تحقیق عبدالکریم ربانی شیرازی، ج ۲۲، ص ۳۴۸، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، چاپ اول

۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰ ص ۲۱۵

۱۸. هاشمی، حمید، ضابطان دادگستری و حقوق شهروندی. تهران: انتشارات مدبران (چاپ اول) ۱۳۹۰ ص ۲۶

ب) مقالات

۱. باقری، علی احمد، «نقش ضابطین دادگستری در رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، ماهنامه دادرسی، ۱۱۴ (۱۳۹۴)، ص ۵۵.

۲. بیرانوند، رضا؛ کوشا، جعفر؛ هاشمی، حمید و رنجبر، بهرام ۱۳۸۹ وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی: فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱۲ (۴۸) صص ۲۰۳-۲۴۴.

۳. بیرانوند، رضا، و دیگران، وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره سوم، ص ۲۱۱، ۲۱۰.

۴. پروین، فرهاد، حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، نشریه اندیشه، سال چهارم، شماره چهاردهم، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۹۵

۵. جوان آراسته، حسین، امت و ملت؛ نگاهی دوباره، نشریه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۱۵۹

۶. ذاکر حسین، محمد هادی، جایگاه سکوت در حقوق اسلامی». مجله حقوقی دادگستر، شماره شانزدهم، ۱۳۸۳ ص ۳۴.

۷. رجبی، ابراهیم، پلیس زن و حقوق شهروندی زنان بزهکار و بزه دیده در جرایم مواد مخدر و روانگردان»، پیشگیری از جرم، ش ۲۱، ۱۳۹۰، ص ۱۳

۸. شاملو، باقر، کوزلی، مهدی، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه رضوی، دوره جدید، ۱۳۹۰، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۸

۹. شمسایی، محمد، رضوی، محمد، «استانداردهای دادرسی عادلانه در فرایند تحقیقات پلیسی در پرتو اسناد بین المللی حقوق بشر»، دانش انتظامی، ۵۸، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹.

۱۰. صابری، محمود و عبدالرسول دانش نژاد، جایگاه آموزش ضابطان در فرآیند دادرسی کیفری با تأکید بر قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «علوم انتظامی»، ش ۴، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸

۱۱. علیدوستی، ناصر، «پلیس و آموزش حقوق شهروندی»، مطالعات راهبردی، ۴۴، ۱۳۸۸، ص ۶.

۱۲. فرجی‌ها، محمد، مقدسی محمد باقر، حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل اздаشت، کارآگاه، ۱۶/۱۳۹۰، ص ۲۰

۱۳. کشفی، سعید، نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱، ۱۳۸۷ ص ۱۵۱.
۱۴. محمدیان، سارا، پوربابک، محمدرضا، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران، مجله پزشکی قانونی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، ۱۳۹۲، دوره ۱۹، شماره ۲، ص ۳۲۱، ۳۳.
۱۵. موسوی، یعقوب، تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری، دانش انتظامی، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۰، ص ۵۹ و ۶۰.
۱۶. مهر، نسرین، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی زن در حقوق کیفری؛ گذشته، حال، آینده، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴ ص ۱۱.
۱۷. نقی‌زاده، محمد، «نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایرانی» نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۸۳-۱۸۴ ص ۱۹.
۱۸. نیکومرام، هاشم، کاوسی، اسماعیل سادات، حوریه. «۱۳۹۰» نقش مهندسی فرهنگی در توسعه اخلاق شهروندی، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری. سال سوم. شماره پنجم، ۸۷، ۷۱.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی